

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

اسلوب شرط

اسلوب: روشی است که گوینده یا سخنران از طریق آن سخنانش را به شنونده منتقل می کند.
برای بیان سخن یا مطالب اسلوب مختلفی داریم که شامل اسلوب: استفهامی (پرسشی)، خبری، امری، ندانیه و اسلوب شرط می باشد.

استفهامی: مَتَى تَذْهَبِينَ إِلَى السُّوقِ؟ چه وقت به بازار می روی؟

ندانیه: یا عیسی . ای عیسی

امری: اِذْهَبِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. به مدرسه برو.

اما اسلوب شرط روشی است که در آن هر کاری به شرط انجام کاری دیگر انجام می شود. مانند:

اگر درس بخوانی، موفق می شوی ... که در این جمله شرط موفقیت تو ، درس خواندن توست یعنی تا درس خواندن محقق نشود، موفقیتی صورت نمی گیرد.

در زبان عربی ادواتی مانند: «إِنْ (اگر)، مَنْ (هرکس، هرکه)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر) ادوات شرط هستند.

از بین ادوات شرط، «إِنْ» حرف شرط و بقیه (مَنْ، مَا، إِذَا) اسم شرط هستند.

جواب شرط	فعل شرط	ادوات شرط	ساختار جمله شرطی
تَنْجَحَ	تَدْرُسَ	إِنْ	
ظَفَرَ	صَبَرَ	مَنْ	

نکته:

در جملات شرطی، بعد از ادوات شرط بلافاصله فعل شرط به صورت ماضی یا مضارع می آید و بعد از فعل شرط، با فاصله یا بدون فاصله جواب شرط به صورت فعل یا جمله می آید.

مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ يَنْتَفِعُ بِهِ!

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

هرکس کار خیر انجام دهد، از آن سود می برد.

<u>مَنْ</u>	<u>ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ</u>	<u>كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ!</u>
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
<u>هرکس</u>	به بندگان خدا <u>ظلم کند</u> ، خداوند دشمنش <u>می باشد</u> .	

نکته: اگر فعل شرط و جواب شرط از فعل های مضارع باشند، در ساختارهای «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ، تَفْعَلُ» آخرشان مجزوم به ساکن می شود.

و در ساختارهای «يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، يَفْعَلُونَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ» نون آخرشان حذف می شود (مجزوم به حذف نون) ، اما در ساختارهای «يَفْعَلْنَ، تَفْعَلْنَ» نونشان حذف نمی شود.

مثال: « <u>مَا</u>	<u>تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ</u>	<u>يَعْلَمُهُ اللَّهُ</u>
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
<u>هرآنچه</u>	از کار خیر <u>انجام دهید</u> ،	مجزوم به ساکن خداوند آن را <u>می داند</u> .

<u>إِنْ</u>	<u>تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ</u>	<u>يُشَاهِدُنَا ثَمَرَاتِ تَوَكُّلِهِنَّ .</u>
ادات شرط	فعل شرط بدون حذف نون	جواب شرط بدون حذف نون
<u>اگر</u>	بر خدا توکل <u>کنند</u> ،	نتیجه توکلشان را <u>می بینند</u> .

نکته: بعد از «مَنْ» شرط، فعل شرط همیشه سوم شخص مفرد می آید.

<u>مَنْ</u>	<u>يَجْتَهِدُ</u>	<u>يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.</u>
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
<u>هرکس</u>	تلاش کند	به هدفش می رسد.
<u>مَنْ</u>	<u>فَكَرَّ قَبْلَ الْكَلَامِ،</u>	<u>قَلَّ خَطْوُهُ.</u>
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
<u>هرکس</u>	قبلا از سخن <u>بیندیشد</u>	اشتباهاتش <u>کم می شود</u> .

شرایط ادات شرط «إذا»:

اگر بعد از «إذا» فعل ماضی بیاید، جمله، جمله شرطی است. که در این حالت «إذا» ادات شرط، فعل بعد از آن، فعل شرط، و بعد جواب شرط می آید.

إذا	مَلِكِ الْأَرَادِلِ	هَلِكِ الْأَفَاضِلِ .
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
هرگاه	فرومایگان به <u>فرمانروایی برسند</u>	شایستگان <u>هلاک می شوند.</u>

اما اگر بعد از «إذا» فعل شرط یا جواب شرط **فعل مضارع** باشد، آخر آن **تغییری نمی کند** (فقط فعل « **يَتْلَى، تَتْلَى**» در قرآن برای « إذا» فعل شرط مضارع آمده اند).

...إذا	يَتْلَى عَلَيْهِم	يَخْرُونَ لِلْأَذْفَانِ سُجْدًا
ادات شرط	فعل شرط (مضارع)	جواب شرط(مضارع)
هرگاه (این آیات) برایشان تلاوت شود ، سجده کنان روی چانه ها (به خاک) می افتند.		

نکته: اگر فعل شرط و جواب شرط، مضارع باشند، فعل شرط به صورت **مضارع التزامی (روش ساخت آن: ب + بن مضارع)** و جواب شرط به صورت **مضارع اخباری** ترجمه می شود:

مَنْ	يُحَاوِلُ كَثِيرًا،	يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.
ادات شرط	فعل شرط	جواب شرط
هر کس	بسیار تلاش کند	به هدفش می رسد.

اما اگر فعل شرط و جواب شرط از **افعال ماضی** باشند، **فعل شرط** را به صورت **مضارع التزامی یا ماضی ساده** و **جواب شرط** را به صورت **مضارع اخباری یا ماضی ساده** ترجمه می شود. گرچه در هر دو ترجمه، ترجمه به صورت **مضارع صحیحتر** است.

نَقَصَ الْكَلَامُ.	تَمَّ الْعَقْلُ	إِذَا
جواب شرط (ماضی).	فعل شرط(ماضی)	ادات شرط
سخن کوتاه می شود	عقل کامل شود	هرگاه
مضارع اخباری	مضارع التزامی	

سخن کوتاه شد.	عقل کامل شد	هرگاه
ماضی ساده	ماضی ساده	

موارد آمدن فاء بر سر جواب شرط:

۱- اگر جواب شرط بصورت یک جمله اسمیه باشد، که در این صورت حرف «فَ» بر سر مبتدا که بصورت اسم یا یک ضمیر منفصل است (هُوَ، أَنْتَ، نَحْنُ ، ...) می آید؛ البته بعضی مواقع اگر خبر بصوت یک جارو مجرور بر مبتدا مقدم می شود که «فَ» بر سر خبر مقدم می آید.

فَهُوَ حَسْبُهُ .	يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ	مَنْ
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
پس او برایش کافیت.	بر خدا توکل کند	هرکس

فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.	جَاءَ بِالْحَسَنَةِ	« مَنْ »
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
ده برابر آن (پاداش دارد).	کار نیکی بیاورد	هر کس

فعل ماضی همراه «قَدْ»
 اگر جواب شرط : مضارع منفی با «ما» ی نفی
 فعل آینده با حرف «سَنَ» یا «سَوْفَ» باشد، با حرف «فَ» می آید.
 آینده منفی با حرف «لَنْ»
 فعل طلب (امر و نهی)

مثال:

فَسَوْفَ يُعْطِيهِ اللَّهُ أَجْرَهُ.	يُدَافِعُ عَنِ الْحَقِّ	مَنْ
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
خداوند پاداشش را به او خواهد داد.	از حق دفاع کند	هرکس

<u>فَلَنْ أَنسَاهُ أَبَدًا.</u>	<u>تَعَلَّمْتُ دَرَسًا</u>	<u>إِنْ</u>
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
آن را <u>فراموش نخواهم کرد.</u>	درسی را <u>بیاموزم.</u>	اگر
<u>فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.</u>	<u>عَرَفَ نَفْسَهُ</u>	<u>مَنْ</u>
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
پروردگارش را <u>شناخته است!</u>	خودش را <u>شناخت</u>	هرکس
<u>فَسَلِّم.</u>	<u>تَدْخُلُ بَيْتَكَ</u>	<u>إِنْ</u>
جواب شرط	فعل شرط	ادات شرط
<u>سلام کن.</u>	<u>وارد خانه ات شوی</u>	اگر

من و مای غیر شرطی:

«مَنْ» به معنی «کسی که»، و «مَا» به معنی «چیزی که، چیزهایی که، آن چه» در وسط جمله، عموماً رابط میان دو کلمه یا دو جمله (و اسم موصول) هستند.

إِحْتَرَمَ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ. به کسی که بزرگ تر از تو است احترام بگذار. (اسم موصول)

أَتَفِقُ بِمَا عِنْدَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. آن چه داری در راه خدا انفاق کن. (اسم موصول)

اگر در عبارتی بعد از «مَنْ» و «مَا» فعل یا غیر فعل باشد، با توجه به موقعیت، «مَنْ» می تواند اسم استفهام (پرسشی) یا موصول، و «مَا» می تواند اسم استفهام یا موصول یا «مای نفی» باشد.

مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النَّهْائِي؟ چه کسی به نهایی می رود. (استفهام)

أَحْسِنِ إِلَى مَنْ عَلَّمَكَ حَرْفًا! به کسی که تو را حرفی آموخت نیکی کن. (موصول)

«لله **مَا** فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است از آن خداست.
(موصول)

مَا وَجَدَ الطَّالِبُ كِتَابَهُ فِي الصَّفِّ. دانش آموز کتابش را در کلاس نیافت. (نفی)

اگر در عبارتی که با «مَنْ» و «مَا» شروع شده است، دو فعل (در جمله) بیاید و فعل دوم با حرف «وَ» / «فَ» آمده باشد، آن عبارت شرطی نیست.

مَنْ **يُطَالِعُ** الْكِتَابَ **وَ يَنْجَحُ** فِي الْإِمْتِحَانِ؟ چه کسی کتاب را مطالعه می کند و در امتحان موفق می شود؟

مضارع اخباری

مضارع اخباری

مَنْ اسم استفهام

يُطَالِعُ فعل مضارع

يَنْجَحُ فعل مضارع